



فصلنامه علمی مطالعات پیشگیری از جرم

سامانه: cps.jrl.police.ir | doi: 10.22034/CPS.2021.209160.1301

پیشگیری زودرس از بزهکاری اطفال با رویکرد خانواده‌محور با مطالعه تطبیقی اسناد بین‌المللی و ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۳

نوع مقاله: پژوهشی

مهناز سعیدی راد^۱

محمدرضا شادمان فر^۲ ✉

محسن شکرچی زاده^۳

چکیده

زمینه و هدف: به دلیل آن که اطفال آینده‌سازان هر جامعه‌ای هستند و سرنوشت هر جامعه به کنش و رفتار این گروه وابسته است، بزه‌کاری اطفال یک آسیب بزرگ اجتماعی محسوب می‌شود. بنابراین، مسئله پیشگیری از بزهکاری آنان، اهمیت زیادی دارد، خصوصاً آن که شخصیت اطفال هنوز شکل نگرفته و به دلیل وضعیت و موقعیتی که به لحاظ شرایط جسمی، روانی و اجتماعی از آن برخوردارند، افراد بالقوه آسیب‌پذیری هستند که ممکن است این آسیب‌ها را به طور واکنشی و به صورت انحراف یا تعارض با قانون و بزهکاری بروز دهند.

روش: پژوهش حاضر به صورت روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: پیشگیری زودرس از بزهکاری اطفال با رویکرد خانواده‌محور در اسناد بین‌المللی نظیر اعلامیه حقوق کودک، پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پیمان حقوق کودک، اصول راهبردی سازمان ملل متحد (ریاض)، قواعد بکن پذیرفته شده است و در قالب برنامه‌های حمایتی خانواده‌محور از قبیل برخورداری اطفال از خانواده مطلوب، برقراری تعامل و توافق دوطرفه میان والدین و اطفال، تدابیر تربیتی - پرورشی خانواده، توانمندسازی خانواده‌ها در راستای اقدامات پیشگیری زودرس و تدابیر نظارتی والدین در راستای پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: پیشگیری زودرس، بزهکاری اطفال و نوجوانان، عوامل حمایتی خانواده‌مدار، تدابیر تربیتی - پرورشی.

* استاندارد (APA): سعیدی راد، مهناز؛ شادمان فر، محمدرضا و شکرچی زاده، محسن. (۱۴۰۰). پیشگیری زودرس از بزهکاری اطفال با رویکرد خانواده‌محور با مطالعه تطبیقی اسناد بین‌المللی و ایران. *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۱۶(۶۱)، ۲۲-۱. http://cps.jrl.police.ir/article_97488.html

۱. گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. رایانامه: saeidirad@gmail.com

۲. گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. رایانامه: mrsh23@gmail.com

۳. گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. رایانامه: mohsen.shekarchi@gmail.com





مقدمه

به دلیل آن که اطفال آینده‌سازان هر جامعه‌ای هستند و سرنوشت هر جامعه به کنش و رفتار این گروه وابسته است، بزه‌کاری اطفال یک آسیب بزرگ اجتماعی محسوب می‌شود. بنابراین، مسئله پیشگیری از بزهکاری آنان، اهمیت زیادی دارد، خصوصاً آن که شخصیت اطفال هنوز شکل نگرفته و به دلیل وضعیت و موقعیتی که به لحاظ شرایط جسمی، روانی و اجتماعی از آن برخوردارند، افراد بالقوه آسیب‌پذیری هستند که ممکن است این آسیب‌ها را به طور واکنشی و به صورت انحراف یا تعارض با قانون و بزهکاری بروز دهند.

بیشتر مراجع قضایی توجه دارند که به این اطفال برچسب مجرم نزنند، اما با واژه‌هایی که بر آن اطلاق می‌کنند، در عمل همان اثر را بر روحیه آن بچه‌ها خواهند گذاشت؛ مانند واژه‌های اطفال معارض با قانون یا اطفال نابهنجار یا هنجارگریز. اطفال توان تشخیص مصادیق خیر و شر را به طور خیلی محدود دارند، از این روست که رویکردهای برخورد با اطفال زمانی جرم‌شناسانه دارد که این روحيات آنان در نظر گرفته شود و کارهای آنان را حمل بر اشتباه و خطا یا جهل به آثار و عواقب آن اعمال بگذارند (نظیفی، ۱۳۹۹: ۳۲۷-۳۲۶).

بنابراین، سیاست‌های حمایتی خاص باید برای آنان در نظر گرفته شود تا این حمایت‌ها را مثبت تلقی کرده و امیدوار به آینده گردند؛ چرا که اگر انسان حامی نداشته باشد، به کارهای صحیح رویکرد نخواهد داشت مگر استثنائاً از درجه عقلی و بینشی بالاتری برخوردار باشد تا هم خطاهای خود را جبران کند و هم به راه صحیح ورود موفقیت‌آمیز پیدا کند. در بزهکاری اطفال حتی بهتر است نوعاً به آنان به چشم بزه‌دیده توجه کرد؛ زیرا به لحاظ شخصیت، این دسته صدمه زیادی را متحمل می‌گردد.

اعتقاد عمومی بر این است که تشدید سیاست و گسترش برنامه‌های پیش‌بینی اجتماعی به ذاته مناسب‌ترین راه‌حل برای پیشگیری از بزهکاری اطفال است. گزارش کمیته اروپائی نشان می‌دهد که در اغلب کشورها، اقدامات اجتماعی به طور کلی به صورت مجموعه‌ای از مقررات تعرضی و دفاعی به منظور نجات و حفظ ثبات زندگی خانوادگی و تأمین اعتلاء و پرورش و رشد هم‌آهنگ و همه‌جانبه استعدادهای کودکان است (کی‌نیا، ۱۳۹۷: ج ۱، ۲۶۶).

پیشگیری زودرس به دنبال آن است تا با مطالعه اطفال و استفاده مناسب از سازوکارهای حمایتی موجود در محیط‌هایی مانند خانواده، اطفال مشکل‌دار را به سوی هم‌نوایی با قواعد اجتماعی و هنجارمند سوق دهد (وروایی و سهرابی، ۱۳۹۵: ۲۷). از سیاست‌های خرد پیشگیرانه‌ی زود هنگام توجه به محیط‌هایی است که اطفال در آن رشد و پرورش می‌یابد. یکی از مهم‌ترین این محیط‌ها خانواده است، چرا که خانواده نامناسب می‌تواند زمینه‌های بزهکاری اطفال را فراهم آورد. از همین رو، به بررسی نقش این نهاد مهم اجتماعی در سیاست جنایی اسناد بین‌المللی و

پیشینه و مبانی نظری

پیشینه

عبدالهی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «پیشگیری خانواده‌محور از گرایش اطفال و نوجوانان به مصرف مواد مخدر و روان‌گردان با نگاهی به آموزه‌های قرآنی»، به این نتیجه رسیده‌اند که هرچه حضور طفل در محیط خانه بیشتر باشد و یا اینکه والدین نسبت به روابط اطفال و نوجوان به محیط‌های بیرون از خانه نظارت و کنترل داشته باشند، به همان نسبت از گرایش اطفال و نوجوانان به مصرف مواد مخدر و روان‌گردان کاسته می‌شود. آموزش زودرس والدین بر مبنای اندرزهایی که در قرآن در سوره لقمان آمده و آن حضرت نسبت به فرزندان خود به کار می‌برد و اصول صحیح تربیتی را ارائه می‌دهد، به طور رو به افزایشی به عنوان یکی از مؤثرترین شیوه‌های مداخله و پیشگیری رشد‌مدار از گرایش اطفال و نوجوانان به مصرف مواد مخدر و روان‌گردان تلقی می‌شود.

مهر (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «پیشگیری اجتماعی رشد‌مدار از بزهکاری اطفال در سیاست جنایی اسلام با تأکید بر آموزه‌های قرآنی»، به این نتیجه رسیده است که بهره‌گیری از تعالیم اسلامی و پیوند تربیت کودک با احکام شرعی زمینه‌های تقویت باورهای دینی را در پروسه شکل‌گیری شخصیت کودک موجب گردیده و از این رو، زمینه‌های پیشگیری از انحطاط و سقوط او در آینده را فراهم می‌نماید. تزکیه و تقوی و دوری از خودبینی و خودبزرگ‌بینی که به عنوان دو عامل مؤثر در بی‌پروایی در ارتکاب گناه شناخته شده، از همان اوان کودکی و در سال‌های اولیه زندگی باید در کودک نهادینه شود که این امر جز از طریق تربیت اسلامی و قرآنی میسر نمی‌شود.

خسروشاهی و منصوری (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «پیشگیری زودرس از بزهکاری با رویکرد خانواده‌مدار»، به این نتیجه رسیده‌اند که پیشگیری زودرس به عنوان شاخه‌ای از پیشگیری اجتماعی، در صدد است تا از رهگذر مداخلات زود هنگام و از طریق به کارگیری عوامل حمایتی، بر روی عوامل خطر اثر گذاشته، از بزهکاری کودکان و نوجوانان جلوگیری کند. یکی از رویکردهای مهم در این پیشگیری، رویکرد خانواده‌مدار یا پیشگیری بر پایه برنامه‌های خانواده‌محور است. رویکرد خانواده‌مدار به دنبال شناخت عوامل خطر و عوامل حمایتی مرتبط با خانواده است تا با به کارگیری عوامل حمایتی، به مثابه یک سپر در مقابل عوامل خطر، از تاثیرات سوء این عوامل بکاهد و بدین طریق از بزهکار شدن کودک ممانعت به عمل آورد.





مبانی نظری

تاریخچه پیشگیری زودرس در دهه ۱۹۶۰ مبتنی بر راهکارهای بیم‌دهنده و آموزش‌دهنده برای بزهکاران بود. در دهه ۱۹۸۰ راهکارهای شایستگی و صلاحیت مشتمل بر آموزش‌های شناختی احترام به خود، خوش‌بینی و صمیمیت، شاخص تلاش‌های پیشگیری رشد‌مدار در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ میلادی است که در سال‌های اخیر نیز محور تلاش برای اطفال در معرض خطر و نیز کمک به بهبودی در انعطاف‌پذیری رفتاری و افزودن مهارت‌های قابلیت و توانمندی بزهکاران است (نظیفی، ۱۳۹۹: ۲۵۰).

پیشگیری زودرس از نظریه جرم‌شناسی رشد‌مدار گرفته شده است؛ این نظریه متغیر سن را که در نظریه جرم‌شناسی اثباتی و شخصی که اصلاً به آن توجه نمی‌کردند و از آن غفلت می‌کردند، به آن تأکید می‌کند و به عنوان علت‌شناسی آن را می‌شناسد (کرامتی معز، ۱۳۹۹: ۱۵۸). به عبارت دیگر، بیش‌تر نظریه‌های جرم‌شناسی به ارتباط میان جرم و عوامل مختلف زیست‌شناسانه، روان‌شناسانه یا اجتماعی توجه می‌کنند و می‌پندارند که، صرف‌نظر از سن مجرمان، این عوامل بر مجرمان تأثیر یکسانی دارند. به عکس، نظریه پردازان رشد‌نگر بر این پنداراند که عوامل مختلف ممکن است بر مجرمان در سنین متفاوت، تأثیرهای متفاوت داشته باشد (ولد و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۶۵).

البته، مسئله سن و تأثیر آن در روند ارتکاب جرم قبل از جرم‌شناسی رشد‌مدار نیز توسط برخی نظریه‌پردازان مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال، «کتله^۱»، پژوهشگر بلژیکی و بنیان‌گذار آمار جنایی، در سال ۱۸۳۱ یعنی ۴۵ سال قبل از انتشار کتاب مرد جنایتکار لومبروزو، مقاله‌ای علمی با نام «تحقیقات درباره گرایش به جنایات در سنین مختلف» نوشت و در آن به بررسی رابطه سن با بزهکاری پرداخت. کتله در مقاله خود، سن را دارای آثار شگرف مستقیم و غیرمستقیم در ابعاد مختلف بزهکاری، اعم از نرخ جرم یا فراوانی و شکل جرائم ارتكابی می‌داند (محسنی، ۱۳۹۷: ۴۳۴). پیشگیری زودرس به تحقیقات فرینگتون^۲ و همکارانش نسبت داده می‌شود. او نظریه‌ای داده دال بر آنکه، «بزهکاری جزئی از سندرم بزرگتر رفتارهای ضداجتماعی» است که در کودکی شروع شده و تا بزرگسالی ادامه می‌یابد (نظیفی، ۱۳۹۹: ۲۵۰).

پیشگیری زودرس بر این اندیشه مبتنی است که رفتار و آداب اکتسابی دوران رشد، یعنی از تولد تا سن بزرگسالی، زمینه‌ساز ارتکاب اعمال مجرمانه می‌شود. بر همین اساس، نتایج

۱. آدولف کتله (۱۲۹۶-۱۸۷۴) با عنوان پدر «تحلیل‌های بوم‌شناختی جرم» یاد می‌شود. علاقه او به مکان و نمونه جرم‌های ثبت شده با پیچیدگی‌های قانونی در تضاد است و این دغدغه او را به یکی از چهره‌های برجسته در توسعه جرم‌شناسی نقشه‌نگارانه قرن نوزدهم تبدیل کرده است (هیوارد و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۵).

2. David Pand Farrington



ارزیابی‌های علمی نشان می‌دهد که مداخلات فشرده نسبت به اطفال در معرض خطر و خانواده‌های آنان، می‌تواند مانع ریشه‌دار شدن بزهکاری در اطفال شود و رشد و توسعه اجتماعی آنان را نیز به همراه داشته باشد. پایان‌پیشگیری رشدمدار احیاء شرایط تربیتی عادی است، به گونه‌ای که تکامل فکری، اجتماعی و اخلاقی طفل روال عادی خود را طی نماید (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۷۳).

جرم‌شناسی رشدمدار که هسته اصلی آن مطالعه جرم در ارتباط با روند زندگی است، به تشریح چگونگی تأثیرپذیری الگو و ماهیت بزهکاری از «سن» اختصاص دارد. در واقع، مبانی پژوهش‌ها و نظریه‌پردازی‌های این گرایش از جرم‌شناسی، مطالعه تغییرات «درون‌فردی» در ارتباط با بزهکاری در ادوار گوناگون زندگی است (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۴۷).

بنابراین، نظریه‌های رشدنگر جرم تلاش می‌کنند که نشان دهند که به هنگام تبیین جرم، یک نظریه‌ی تنها نمی‌تواند به‌خوبی کارساز باشد؛ زیرا آن عواملی که رفتار مجرمانه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به این مسئله بستگی دارد که شخص در کدام یک از دوره‌های زندگی‌اش باشد. از این رو، یا نظریه‌های چندگانه لازم است یا دست‌کم هر نظریه‌ای که برای تبیین جرم در سطح فردی تلاش می‌کند، ضروری است که ویژگی‌های رشدی را [نیز] به حساب آورد. هدف نهایی این است که قدرت نظریه‌های جرم‌شناسی برای تبیین جرم فزونی یابد (ولد و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۸۴).

ریشه‌های جرم‌شناسی رشدمدار، بطور همزمان در گرایش‌های علوم اجتماعی و اثبات‌گرایی قرار داشته و به مطالعه ارتباط میان عوامل زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بزهکاری در طی روند زندگی از دوران جنینی تا مرگ می‌پردازد. جرم‌شناسی رشدمدار، در درک ما از ارتباط میان بزهکاری و گستره وسیعی از عواملی که در سراسر روند زندگی پیوسته در تغییرند، سهم بسزایی ایفاء می‌نماید (محسنی، ۱۳۹۷: ۴۴۷).

روش

تحقیق حاضر از نوع مطالعات تحلیلی و توصیفی به صورت کتابخانه‌ای-اسنادی انجام می‌شود؛ بعد از جمع‌آوری اطلاعات تنظیم شده از طریق فیش‌برداری و فرم‌های مربوطه، فیش‌ها با توجه به عنوان موضوع و فصل‌بندی تحقیق طبقه‌بندی می‌شود و اطلاعات و مطالب در بخش‌های مختلف آورده خواهد شد و تجزیه و تحلیل اطلاعات بصورت توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است.

یافته‌ها

اولین محیطی که توجه متصدیان پیشگیری رشدمدار را به خود جلب می‌کند، خانواده و به تبع آن، والدین است. اهمیت خانواده و توجه به نقش کلیدی آن در پیشرفت و توسعه جامعه در دین مبین اسلام و نیز فرهنگ اصیل ایرانی همواره مورد توجه و تأکید بوده است. چیزی که پیشرفت‌های



فناورانه، جهان غرب را با توهم بی‌نیازی از آن مواجه ساخت و سبب شد با وجود رشد گسترده و شتابان علم و نوآوری و حتی ابرقدرت شدن در سطح جهانی، همواره با مشکلات و اختلالات روحی از جمله افسردگی، خشونت و بزهکاری افراد جامعه خود دست و پنجه نرم کند و نتواند جامعه‌ای بالنده به لحاظ معنوی داشته باشند (کرامتی معز و میرخلیلی، ۱۳۹۹: ۸-۹).

نقش خانواده در پیشگیری اعضایش از انحرافات از طریق اعمال بیشترین نظارت ممکن بر رفتار آنها بسیار اهمیت دارد. البته، این مسئولیت در عصر کنونی مضاعف شده است؛ زیرا وجود انواع و اقسام و مسائل ارتباطی و ابزارهای انحرافی در بستر جامعه، فرصت انحراف و کج‌روی افراد به ویژه نوجوانان را بیش از گذشته فراهم ساخته است. امروزه به جهت گسترده‌گی جوامع و پیچیدگی روابط اجتماعی، کنترل‌های غیررسمی اجتماعی تا حد بسیاری معنا و مفهوم خود را از دست داده‌اند و افراد منحرف در انجام رفتارهای انحرافی احساس آزادی عمل بیشتری می‌کنند. بدین سان، برای جبران ضعف‌های نظارت، اعم از رسمی و غیررسمی، مسئولیت خانواده افزایش یافته است (میرخلیلی، ۱۳۹۹: ۲۱۱).

حمایت خانواده، منجر به کاهش احتمال بزهکاری اطفال می‌گردد و از سوی دیگر، توانایی‌ها و قابلیت‌های آنان را در پذیرش قواعد اجتماعی افزایش می‌دهد و به سالم‌سازی فرآیند شکل‌گیری شخصیت اطفال کمک می‌کند (حکیمی و صفرائی، ۱۳۹۶: ۱۳۴). با این اوصاف، این نوع پیشگیری که از خردسالی متناسب با روند رشد کودکان سایه پیشگیرانه خود را طراحی می‌کند، قطعاً می‌تواند بسیار مفید و مؤثر باشد. پیشگیری رشد‌مدار در واقع یک سرمایه‌گذاری پایدار و درازمدت است که می‌تواند از خردسالی سنگ‌بنای برنامه‌های پیشگیرانه را برای کل عمر یک انسان در جامعه نهادینه کند (کرامتی معز، ۱۳۹۹: ۱۵۸). بر مبنای این مؤلفه‌ها به ارائه راهکارهای اقدامات زودرس در راستای نقش خانواده در پیشگیری بزهکاری اطفال خواهیم پرداخت.

۱. پیشگیری زودرس از بزهکاری اطفال با رویکرد خانواده‌محور در اسناد بین‌المللی

اسناد بین‌المللی در توجه به نقش خانواده دو نوع پاسخ ارائه داده است: اول آن که پرورش در خانواده از حقوق کودک دانسته شده و دیگر آن که به حکومت‌ها و دولت‌ها تأکید شده است تا حمایت‌های لازم و کافی را از نهاد خانواده در راستای پرورش کودک، به عمل آورند.

۱-۱. اعلامیه حقوق کودک

در اعلامیه حقوق کودک با توجه به نقش پراهمیت خانواده که کانون اصلی پرورش کودک و



نوجوان است، در اصل دوم تا ششم تأکید شده که کودک باید حتی الامکان تحت توجه و سرپرستی والدین خود، و به هر صورت در فضایی پر محبت در امنیت اخلاقی و مادی پرورش یابد. کودک خردسال را به جز در موارد استثنایی، نباید از مادر جدا کرد. کودک باید در محیطی سالم پرورش یابد و به همین منظور، مراقبت و حمایت خاص را برای مادران و کودکان از دوران قبل و بعد از تولد در نظر گرفته است و توصیه کرده که کودکان و نوجوانان باید در محیطی سالم پرورش یابند. با تأکید این سند بر پرورش کودک و نوجوان در نهاد خانواده، برای حمایت از این نهاد نیز تمهیداتی تعیین شده است. هم‌چنین، این سند علاوه بر مسئول دانستن مقامات اجتماعی، جامعه را نیز موظف دانسته تا نسبت به کودکان بدون خانواده و کودکان بی‌بضاعت توجه خاص مبذول دارند.

در اعلامیه حقوق کودک، در جهت اهمیت حمایت از کودکان و نوجوانان توسط مراجع ذیربط در جهت برخورداری از امکانات لازم جهت رشد جسمی، ذهنی، اخلاقی و اجتماعی آنان در محیطی آزاد، در اصل دوم تأکید شده است. در این راستا، تأمین منافع کودکان باید بالاترین اولویت را داشته باشد. این اصل امروز به اصل عالی‌ترین منافع کودک موسوم است. برای برخورداری کودک از امکاناتی که برای رشد و بالندگی لازم دارد، تأکید شده که کودک باید امکان برخورداری از تغذیه، مسکن، تفریحات و خدمات پزشکی مناسب را داشته باشد. این سند جامعه و مقامات اجتماعی را موظف دانسته تا نسبت به کودکان بدون خانواده و کودکان بی‌بضاعت توجه خاص مبذول دارند. از طرفی، به دولت‌ها توصیه نموده که کمک‌های نقدی و دیگر تسهیلات را برای تأمین و نگهداری فرزندان خانواده‌های پرجمعیت در اختیار آنان قرار دهند.

۱-۲. پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

شناسایی نقش خانواده و اهمیت آن در پرورش و تربیت کودکان، حمایت از این نهاد و به تبع آن، پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان موضوعی است که سازمان ملل متحد از سال ۱۹۶۶، یعنی از زمان وضع پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر آن اصرار ورزیده است. در ماده ۱۰ خانواده را واحد طبیعی و اساسی جامعه دانسته است که باید از حمایت‌های لازم برخوردار گردد؛ به ویژه مادام که مسئولیت نگاهداری و آموزش و پرورش کودکان خود را بر عهده دارد، باید از حمایت‌های لازم و کافی برخوردار گردد.

این سند از حکومت‌ها خواسته است که به ویژه برای تشکیل و استقرار خانواده مادام که مسئولیت نگاهداری و آموزش و پرورش کودکان خود را بر عهده دارد، باید کمک‌ها و اقدامات لازم را انجام دهند. کشورهای طرف این پیمان پذیرفته‌اند که برای حمایت کودکان، مادران باردار



پیش و پس از زایمان از حمایت‌های خاص بهره‌مند شوند و در طی مدت بارداری، مادران کارگر از مرخصی با حقوق و یا مرخصی با مزایای تأمین اجتماعی کافی برخوردار شوند. کشورها در مورد اتخاذ تدابیر خاص برای حمایت از کودکان، بدون هیچ گونه تبعیض، در مقابل استثمار اقتصادی و اجتماعی اذعان داشته‌اند مانع از آن شوند که کودکان را به کارهایی که برای جهات اخلاق یا سلامت آن‌ها زیان‌آور است یا زندگی آن‌ها را به مخاطره می‌اندازد یا مانع رشد طبیعی آنان می‌گردد، وادارند و باید به موجب قوانین این گونه اعمال قابل مجازات باشد. هم‌چنین، در مواردی که خانواده بستر مناسبی برای رشد و پرورش کودک یا نوجوان نباشد، سپردن کودک یا نوجوان به مؤسسات نگهداری پیش‌بینی شده است.

۳-۱. پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

این پیمان بین‌المللی نیز از نهاد خانواده جهت پرورش کودکان و نوجوانان حمایت کرده، چنانچه در بند یک ماده بیست‌وسه بیان کرده است: خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه است و استحقاق حمایت جامعه و حکومت را دارد. مطابق این سند، آزادی والدین و سرپرستان را در تأمین آموزش‌های مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق اعتقادات خود، محترم شمرده است. در بند چهار ماده بیست‌وسه، دولت‌های طرف پیمان را موظف دانسته تا در صورت انحلال ازدواج، تدابیر و پیش‌بینی‌های لازم را برای حمایت از کودکان ببیندیشند. هم‌چنین در این سند، دولت‌های طرف پیمان متعهد شده‌اند تا حریم خانواده را محترم دانسته، به این ترتیب که آزادی والدین یا حسب مورد سرپرستان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق اعتقادات خود، محترم بشمارند.

۴-۱. پیمان حقوق کودک

اما مهم‌ترین سندی که به حمایت از خانواده‌ها به عنوان یک حق بنیادی برای کودکان توجه کرده است، پیمان حقوق کودک می‌باشد. پیمان حقوق کودک که تقریباً مورد قبول تمام کشورهای جهان است و از محدود اسناد حقوق بشر است که مورد قبول تمام کشورها به استثنای دو کشور قرار گرفته است. پیمان حقوق کودک بنیادی‌ترین سند هنجارساز در قلمرو حقوق کودکان به شمار می‌رود. در این پیمان مصادیق متعدد حقوق این دسته از شهروندان شناسایی شده‌اند که یکی از بارزترین آنها «حق کودکان بر پیشگیری از بزهکاری» است. به موجب حق مذکور، کودکان این امکان را می‌یابند تا از رهگذر بهره‌مندی از شماری از جلوه‌های حقوق بشر به سمت تربیت شدن و هم‌نوایی با قواعد اجتماعی پیش روند (نیازپور، ۱۳۹۱: ۱۸۷).

در پیمان حقوق کودک در قسمت پیش‌گفتار درباره اهمیت خانواده آمده است که «خانواده



محیطی طبیعی برای رشد، سلامت کلیه اعضای خانواده و به ویژه کودکان است.» بنابراین، این کنوانسیون خانواده را دارای بیشترین توان بالقوه برای حمایت از کودکان و تأمین امنیت جسمی و روانی آنان می‌داند (کواست^۱، ۲۰۰۷: ۲۱).

در کنوانسیون علاوه بر توجه به اهمیت خانواده در ابعاد مختلف رشد کودک و نوجوان، مسئولیت مشترک والدین و سرپرستان قانونی نیز به رسمیت شناخته شده است؛ چنانچه در بند یک ماده هیجده، مسئولیت مشترک والدین و سایر اولیای قانونی، در تأمین رشد و پیشرفت، حفظ سلامت جسمی، روحی و ارتقای سعادت اجتماعی کودک را به رسمیت شناخته است. هم‌چنین، بر طبق ماده چهارده، هر دو والد یا سرپرست را در نقش راهنمایی خود در رابطه با اجرای حق آزادی مذهب، آزادی افکار و وجدان کودک و نوجوان مسئول دانسته است. به همین دلیل، در بند ۱ ماده ۱۸ کنوانسیون فوق‌پرورش کودک در درون خانواده به عنوان مصلحت‌عالیه کودک تلقی و مسئولیت مشترک رشد و پیشرفت کودک بر عهده والدین و یا قیم و سرپرست کودک نهاده شده است (مهدوی، ۱۳۹۷: ۹۴).

علاوه بر آن که دولت‌های عضو را موظف به رسمیت شناختن حق زندگی هر کودک به عنوان حق مادرزادی و ادامه حیات و رشد وی دانسته است. این پیمان در بندهای اولیه، کشورهای طرف قرارداد را ملزم به همکاری لازم با والدین و قیم قانونی در جهت اجرای مسئولیت‌های خود برای تربیت کودک، حق زیستن مشترک با والدین و در صورت لزوم جدایی فرزند با رعایت صلاح و غبطه کودک از والدین، دانسته است. نویسندگان این سند در مواد مختلف به ویژه بند سه ماده بیست‌وهفت: «... کمک به والدین و دیگر اشخاص سرپرست کودک...» را در شمار حقوق بنیادین کودکان گنجانده‌اند تا از این رهگذر آنان در یک محیط مناسب و در کنار پدر-مادر خود رشد یابند. هم‌چنین، تضمین ایجاد حداکثر امکانات برای بقا و پیشرفت کودکان، به عهده کشورهای عضو قرار داده است. در ادامه، رفاه کودکان، با در نظر گرفتن حقوق و تکالیف اولیای آنها مورد تأکید قرار گرفته و مسئولیت تأمین آن را بر عهده کشورهای طرف کنوانسیون قرار داده است. بر طبق ماده نه از کشورهای عضو خواسته شده است که در راه تحقق این منظور، مؤسسات قانونی، تسهیلات و خدمات لازم را فراهم کنند. این امر، به ویژه برای کودکانی که دارای والدین شاغل باشند، بیشتر تأکید شده است. ارائه خدمات ویژه به کودکانی که پدر و مادرشان از هم طلاق گرفته‌اند نیز مورد توجه قرار گرفته است. حتی در شرایطی خاص که سبب جدایی کودک از والدین او می‌شود، مانند خروج از کشور یا ورود به کشور دیگری، تکلیف اقامت کودک باید روشن شود. در مورد درخواست پیوستن کودک به اعضای خانواده، در صورت درخواست

۱. Kwast



خروج از کشور و یا ورود به کشور دیگر، ترتیب این امر به صورت سریع و انسانی از طرف حکومت داده شود. بر طبق ماده ده، از حکومت‌های عضو خواسته شده تا ترتیب پیوستن این کودکان به اعضای خانواده خود بطور انسانی و سریع داده شود و این چنین درخواستی هیچ‌گونه پیامد و خطری از طرف حکومت برای کودک یا وابستگان وی نداشته باشد. ضمناً، کودکی که والدین وی در کشورهای متفاوت به سر می‌برند، مگر در موارد استثنا مانند حفظ امنیت ملی یا نظم و اخلاق عمومی و آسیب به آزادی و حقوق دیگران، حق دارد به طور منظم و مستقیم با والدین خود تماس داشته باشد. حکومت‌های عضو پیمان‌نامه مکلف هستند که حق کودک و والدین را مبنی بر با هم بودن آنها را رعایت کنند.

یا چنانچه کودکی که والدین او در کشورهای متفاوت بسر می‌برند، حق دارد با هر دوی آنها بطور شخصی، منظم و مستقیم تماس داشته باشد، مگر در صورت وجود شرایط استثنایی مثلاً به خاطر حفظ امنیت ملی یا نظم و اخلاق عمومی، لطمه به آزادی و حقوق دیگری و یا نقض حقوق مندرج در این پیمان‌نامه، که تنها در این صورت از تماس کودک با والدین خود خودداری می‌شود.

در این کنوانسیون علاوه بر توجه به اهمیت خانواده از کشورهای عضو خواسته شده تا در راه تحقق مسئولیت مشترک والدین و سرپرستان قانونی در تأمین رشد و سلامت و پیشرفت کودک و ارتقای سعادت اجتماعی، مؤسسات قانونی، تسهیلات و خدمات لازم را فراهم کنند. این خدمات، به ویژه برای کودکانی که دارای والدین شاغل باشند یا والدین کودک از هم جدا شده باشند، بیشتر تأکید شده است.

حکومت‌های عضو این پیمان‌نامه مکلف به رعایت حق کودک و والدین مبنی بر با هم بودن آنها هستند. حتی در زمانی که خانواده صلاحیت نگهداری کودک را ندارد و بر اساس مفاد کنوانسیون وی را به افراد و یا مؤسسات ذی صلاح سپرده می‌شود، باید امکان شرکت همه‌ی افراد مربوطه در تصمیم‌گیری مبنی بر جداسازی کودک از خانواده غیر صالح را فراهم آورد. علاوه بر آن، طبق بند سه ماده مذکور حکومت‌ها موظفند که حق کودک مبنی بر تماس شخصی و مستقیم با پدر و مادر را در هنگامی که آنها از هم جدا شده‌اند، فراهم کنند مگر اینکه این عمل با منافع کودک در تضاد باشد. علاوه بر آن، در ماده پنج از وظایف حکومت‌های عضو این پیمان دانسته که به حقوق و مسئولیت‌های والدین و یا سرپرست قانونی کودک توجه لازم را نموده تا نسبت به کودک در رابطه با حقوق مندرج در این پیمان‌نامه کوتاهی نشود. در مورد جدایی کودک از والدینش نیز مقرر داشته که حکومت‌های امضاکننده این پیمان‌نامه اطمینان می‌دهند که یک کودک برخلاف میل والدینش از آنها جدا نمی‌شود مگر اینکه بر طبق قوانین موجود ثابت شود که آن جدایی به نفع کودک و لازم است.



اسناد بین‌المللی منطقه‌ای ویژه حقوق کودکان از رویه کنوانسیون حقوق کودک پیروی کرده‌اند، به طوری که منشور عربی حقوق بشر که یک سند حقوق بشر الزام‌آور است، بر حمایت از کودکان در خانواده از ممنوعیت «کلیه اشکال خشونت یا آزار در روابط بین اعضاء به ویژه علیه کودکان...» تأکید نموده است.

۵-۱. اصول راهبردی سازمان ملل متحد (ریاض)

در این اصول راهبردی نیز یکی از مباحث در رابطه با پیشگیری کنشی نسبت به بزهکاری کودکان و نوجوانان توجه به خانواده و اهمیت نقش خانواده است. عوامل موثر در فرایند اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان، خانواده، تعلیم و تربیت، اجتماع، و رسانه‌های جمعی و سیاست اجتماعی است. در اشاره به نقش خانواده در ماده دوازده بیان می‌دارد که این نهاد کلید پیشگیری از جرم است و تصریح می‌کند که «خانواده واحد مرکزی مسئول اجتماعی شدن نخستین، کودکان است» از دولت‌ها خواسته شده تا اقدامات لازم در جهت ارتقای همبستگی و هماهنگی خانوادگی و تا حد امکان ممانعت از جدا شدن فرزندان از والدین خود انجام گیرد. در ماده هیجده بر وظیفه خانواده و خانواده‌ی گسترده و اهمیت آن در پرورش اجتماعی و شناخت نقش، مشارکت و همکاری نوجوانان در اجتماع تأکید دارد.

در ماده شانزده مقرر شده که راهبردها، اقدامات و برنامه‌هایی در جهت فراهم آوردن آموزش برای خانواده‌ها در زمینه نقش و مسئولیت‌های والدین در رابطه با پرورش و مراقبت کودک، ارتقای روابط مثبت والدین و فرزندان، جلب توجه والدین به مسائل کودکان و نوجوانان و تشویق مشارکت آنان در فعالیت‌های مثبتی در خانواده و جامعه باید انجام گرفته و تنظیم شود. به عبارت دیگر، به منظور تضمین حق اجتماعی شدن کودکان دولت‌ها مکلف به حمایت از خانواده شده‌اند تا خانواده بتواند نقش خود را در این رابطه به نحو مطلوبی ایفا کند (مهدوی، ۱۳۹۷: ۹۴).

سند مذکور چون خانواده را نهاد کلید پیشگیری از جرم می‌داند، لذا در ماده دوازده تصریح می‌کند که خانواده سزاوار توجه بیشتر دولت‌ها و جوامع است: «قدرت عمومی و هم‌چنین مؤسسات اجتماعی باید سعی خود را بر حفظ تمامیت خانواده معطوف نمایند». از آن رو که این سند خانواده را واحد مرکزی و مسئول پرورش اجتماعی اولیه کودکان محسوب نموده، لذا دولت‌ها را موظف دانسته که باید برای حفظ تمامیت خانواده، مساعدت لازم و کافی در جهت فراهم آوردن امکانات مراقبت و حمایت از کودکان و تأمین سلامت و رفاه جسمی و روانی آنان را انجام دهند. هم‌چنین، بر اساس ماده یازده باید ترتیبات مناسب، شامل مراکز ارائه‌کننده خدمات مراقبتی در طی روز، فراهم شود. در ماده هفده با توجه به اهمیت خانواده از دولت‌ها خواسته است تا اقدامات لازم در جهت ارتقای همبستگی و هماهنگی خانوادگی و بازدارگی از جدا شدن فرزندان



از والدین خود انجام گیرد؛ مگر این که گزینه مناسب‌تر دیگری برای سلامت و آینده کودک و نوجوان ممکن سازند.

۶-۱. قواعد پکن

در بخش اول این سند در مورد اصول کلی و دیدگاه‌های بنیادین به اهمیت خانواده توجه شده و بیان شده که کشورهای عضو کوشش خواهند نمود که منطبق با مصالح کلی مربوط به خود، وضعیت نوجوانان و خانواده‌ی آنان را بهبود بخشند. کشورهای عضو در راستای ایجاد شرایطی تلاش خواهند کرد که زندگی پر معنایی برای کودکان و نوجوانان در جامعه تأمین نمایند که طی دوره‌ای از زندگی که نوجوان بیش از هر زمان مستعد رفتار انحرافی می‌باشند، فرآیند رشد شخصی و آموزشی را پرورش دهد که در حد امکان از جرم و بزهکاری دور باشد.

تأکید بر وظیفه‌ی خانواده و خانواده‌ی گسترده در پرورش اجتماعی دارای اهمیت به‌سزایی است. شناخت نقش، مسئولیت‌ها، مشارکت و همکاری نوجوانان در اجتماع نیز به نوبه خود از اهمیت برخوردار است. بر اساس ماده سیزده تأکید شده که دولت‌ها باید سیاست‌هایی را که در جهت پرورش کودکان در محیط‌های خانوادگی ثابت و استوار هستند، اتخاذ نمایند. خدمات لازم در اختیار خانواده‌های نیازمند کمک در جهت رفع شرایط بی‌ثباتی یا تعارض قرار گیرند.

به دنبال فرآیند جامعه‌پذیر نمودن کودکان و نوجوانان و ادغام و مشارکت موفقیت‌آمیز کلیه کودکان و نوجوانان، به ویژه از طریق خانواده، جامعه و... در هر اجتماع نیازها و سلامت و آسایش خانواده و کلیه اعضای آن باید از اولویت بالایی برخوردار باشد.

۱-۷. پیمان حقوق کودک در اسلام

چنانچه انتظار می‌رود، این پیمان مطابق قوانین اسلام، اصل را بر سرپرستی والدین بر کودک دانسته است. چنانچه در ماده هشت عنوان شده است که هیچ کودک‌کی نباید برخلاف خواست والدین از آنان جدا شود؛ هم‌چنین والدین نیایستی سرپرستی خود را مگر در صورت ضرورت برای منافع کودک، با مجوز حقوقی به موجب احکام قضایی داخلی هر کشور عضو، لغو کنند. در صورتی که جداسازی کودک یا نوجوان از والدین ضروری باشد، کودک یا نوجوان نباید از داشتن روابط با والدین محروم بماند. از آن رو که مخاطب اصلی اسناد بین‌الملل حکومت‌ها هستند، لذا بیشتر تاکیدات بر دولت‌ها است تا حمایت‌های لازم را از خانواده به عمل آورند.

در این میثاق نیز کشورهای عضو مطابق با ماده هشت آن متعهد شده‌اند که خانواده‌ها را از پاشیدگی حفاظت خواهند کرد و با کمک منابع خویش، در جهت تأمین مراقبت برای اعضای خانواده و ایجاد پیوستگی و تعادل میان آن‌ها اقدام کنند. هم‌چنین، در راستای تقویت توانایی‌های



اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی خانواده و گسترش حمایت لازم برای توانمندسازی والدین برای بهبود و ارتقاء شرایط جسمی، روحی و رفتاری کودکان تلاش نمایند.

توصیه‌نامه کمیته وزرای شورای اروپا راجع به خشونت و خانواده مصوب ۱۹۸۵ اگرچه قبل از تصویب کنوانسیون حقوق کودک بوده است، با این حال مداخله کیفی به منظور حمایت از کودکان در برابر خشونت خانوادگی را با شرایطی در بندهای یازده تا پانزده خود مورد تأکید قرار داده است.

تمامی مواردی که در اسناد آمده بیانگر آن است که یکی از سیاست‌های جنایی اسناد بین‌الملل در مورد بزهکاری کودکان و نوجوانان حفظ کیان خانواده است. تا حد امکان کودک در خانواده رشد یابد، زیرا از آسیب‌های بسیاری مصون خواهد ماند. از دولت‌ها خواسته شده تا حمایت‌ها و مساعدت‌های لازم را به عمل آورند و در ایجاد امکانات در راستای تقویت توانایی‌های اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی برای توانمندسازی والدین برای بهبود و ارتقاء شرایط جسمی، روحی و رفتاری کودکان، تأمین رشد و پیشرفت کودک، حفظ سلامت جسمی، روحی و ارتقای سعادت اجتماعی آنان بکوشند و در راه تحقق این منظور، مؤسسات قانونی، تسهیلات و خدمات لازم را فراهم نمایند.

۲. عوامل حمایت‌کننده خانوادگی

نقش مهم و حساس خانواده در تربیت کودکان و نوجوانان، به دلیل الگوپذیری کودکان و نوجوانان در درجه نخست از والدین و سپس، از محیط اطراف خود است. کودک و نوجوان برای تربیت مناسب نیاز به یک محیط باثبات، ایمن، توأم با آرامش و محبت دارد. در والدین مبتلا به اعتیاد به مواد مخدر یا الکل، خانواده با شرایط و روابط ناسالم و منفی، پر از اغتشاش و اضطراب‌های عصبی و تحریک مداوم که در اثر اختلافات و جروب‌بحث والدین ایجاد می‌گردد، رفتارهای کودکان را به شدت تحت تأثیر قرار داده و می‌تواند منشأ بسیاری از مشکلات رفتاری، اجتماعی، روانی ناهنجاری‌های عاطفی، عدم رشد قوای عاطفی به صورت طبیعی، نقش‌های منفی، از قبیل حسادت، اضطراب، پرخاشگری، احساس عدم امنیت، ناسازگاری و افسردگی ایجاد نفرت نسبت به اطرافیان در کودک و نوجوان شکل خواهد گرفت. مطالعات گوناگون نشان داده‌اند خودکشی، مصرف مواد مخدر، شکست تحصیلی و ترک تحصیل، فرار نوجوانان از خانه، پرخاشگری، اضطراب، اعتیاد و بزهکاری از جلوه‌های عدم آموزش و عدم برقراری رابطه درست با نوجوانان از جمله مشکلاتی است که در این گونه خانواده‌ها مشاهده می‌شود که تمامی موارد می‌تواند زمینه ارتکاب انحراف و بزه توسط کودک و نوجوان را فراهم سازد.



۲-۱. برخورداری اطفال از خانواده مطلوب به عنوان یک حق بنیادین بشری

منشاء عوامل خطر می‌تواند مهم‌ترین مکان‌ها و نهادهای جامعه‌پذیری مانند محیط خانواده باشد. عوامل در سطح خانواده عبارتند از: ۱- فقر عاطفی، تربیتی و اقتصادی والدین؛ ۲- اعتیاد، خشونت و فروپاشی بنیان خانواده؛ ۳- روابط ناموزون و قهرآمیز بین اطفال و والدین؛ ۴- اقدامات تنبیهی و تشویقی، بی‌ضابطه و بی‌قاعده که گاه شدید و گاه با اغماض صورت می‌گیرد (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۷۸).

برخورداری اطفال از خانواده مطلوب یک حق بنیادین بشری است، زیرا در پرتو این حق است که افراد از رهگذر رشد یافتن در محیط مناسب هنجارآموز گردیده و با ارزش‌های اجتماعی و چگونگی سالم زندگی کردن آشنا می‌گردند. در واقع، اطفال حق دارند با تربیت شدن در یک بستر مطلوب به عنوان انسانی قاعده‌مند و سازگار با آموزه‌ها و هنجارهای اجتماعی به جامعه راه یابند. این حق، که از حیث ماهیت در شمار حق مطالبه‌هاست، احتمال درست پرورش یافتن اطفال را افزایش داده و در نتیجه، از تمایل آنان به انحراف و بزهکاری می‌کاهد. به این ترتیب، حق مذکور به این جهت که از یک سو، اطفال را در شرایط مناسب زندگی قرار می‌دهد و از سوی دیگر، موجبات تبدیل شدن آنان به شهروندانی هنجارگرا را فراهم می‌سازد و دارای کارکردی حقوق بشری-پیشگیرانه است و بر همین اساس، نویسندگان پیمان حقوق کودک آن را مورد توجه قرار داده‌اند. در واقع، این محیط مهم‌ترین بستر برای پی‌ریزی نظام شخصیتی کودکان به شمار رفته و می‌تواند با توجه به همین تأثیرگذاری جهت و ماهیت کردار این دسته را مشخص سازد (نیازپور، ۱۳۹۱: ۱۹۰).

در پیشگیری زودرس، با شناسایی اطفالی که زودتر از سنین معمول رفتارهای ناسازگارانه، منحرفانه و مجرمانه از خود نشان داده‌اند، تلاش می‌شود تا ضمن شناسایی خلأها، کمبودها یا مشکلات عاطفی، تربیتی، تحصیلی، فرهنگی و... که به این دسته رفتارها منجر شده‌اند، با خود آنان یا در صورت لزوم با اعضای خانواده آنان برخورد متناسب صورت گیرد؛ بنابراین، در پیشگیری زودرس، علاوه بر خود منحرف یا بزهکار، ممکن است والدین نیز مشمول اقدام‌ها و مداخله‌های روانشناختی-اجتماعی‌ای شوند که هدفشان پیشگیری از مزمن، پایدار و مقاوم شدن جرم در آینده است (رجیبی تاج امیر، ۱۳۹۸: ۸۹-۹۰).

از آنجا که والدین هر دو در تربیت فرزندان نقش مسئولانه دارند و اصولاً خانواده‌هایی که هر دو والد حضور و نقش دارند، فرزندان از رشد متعادل‌تر برخوردار هستند. چنانچه یکی از آن دو قادر به ایفای وظایف پدری یا مادری خود نباشد، به رسمیت شناختن مسئولیت مشترک پدر و مادر راه‌حلی بر این مورد می‌باشد تا آن دیگری وظایف خود را انجام دهد و هم‌چنین، از حمایت‌های لازم از طرف دولت بهره‌مند گردد. در راستای نقش و اهمیت خانواده است که شماری از اسناد



بین‌المللی و مقررات ملی بنیادین ضمن توجه به نقش اساسی این نهاد، حمایت همه‌جانبه از آن را مورد تأکید قرار داده‌اند.

در پرتو حمایت اسناد بین‌الملل و حقوق داخلی کشورها است که خانواده قادر بر اجرای رسالت اصلی‌اش که همان تربیت و پرورش کودکان و نوجوانان است، می‌باشد. به عنوان مثال، می‌توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۸، اشاره کرد که در کنار به رسمیت شناختن حق همگان بر ازدواج، دولت را به حمایت از خانواده‌ها مکلف ساخته‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۷۵).

در قوانین ایران، خانواده به عنوان یک نهاد شناخته شده که وظیفه نگاهداری فرزندان را دارد و در صورت خودداری از انجام این وظیفه به دلایل گوناگون، پاسخ‌های دولتی مناسب، اعم از اقدامات حمایتی جهت رفع مسائل و مشکلات مالی، یا ضمانت اجرای کیفری در صورت قصور والدین در نظر گرفته شده است.

۲-۲. توانمندسازی خانواده‌ها در راستای اقدامات پیشگیری زودرس

تحقیقات به صورت مکرر نشان داده‌اند که اکثر برنامه‌های موفق در ابتدا بر اهمیت ارتقای نهاد خانواده و نظارت والدین و سپس، ارتقای مهارت‌های تحصیلی و ارتباط با دیگران تمرکز دارند (بارتول، ۱۴۰۰: ۴۹۹).

در خانواده‌های پیوسته، روابط عاطفی شدید میان والدین و فرزندان برقرار است، تنش‌های مختلف نادر و احساس ایمنی فراوان دیده می‌شود؛ در چنین خانواده‌هایی اگر فرزندان دچار اشکالات روانی یا جسمی نباشند یا اختلالات در حد جدی ایجاد نگردد، می‌توان امیدوار بود که گرایش‌های انحرافی و از جمله جرم کمتر مجال ظهور خواهند داشت و در خانواده‌های گسسته که یا به طور کامل والدین جدا از فرزندان هستند یا با وجود کانون خانوادگی، تنش‌های متعدد در روابط افراد خانواده وجود دارد، احساس ایمنی دچار تردید خواهد شد و عصیان و سرکشی به شکل خودآگاه یا ناخودآگاه زمینه انحرافات بعدی را فراهم می‌کند (نوربها، ۱۳۹۹: ۱۸۰). برای اطفال، پیوندهای موجود در خانواده ابزار کنترل است. اطفالی که دارای پیوندهایی عمیق با والدینشان بوده، کمتر درگیر بزهکاری و انحراف می‌شوند. در مقابل، گسستگی در روابط طفل و والدین احتمال قرار گرفتن در مسیر بزهکاری را افزایش می‌دهد (تی. کالن و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۷).

وابستگی همه‌جانبه اطفال به خانواده و ابعاد مختلف رشدی، جامعه‌پذیری و کنترلی آن موجب توجه خاص راهکارهای پیشگیری رشدمدار به لزوم توانمندسازی خانواده در ابعاد مختلف شده است. با وجود اینکه بُعدی از ابعاد مداخلات حمایتی رشدمدار بر ضرورت رفع تنگناهای مالی و



دسترسی خانواده به منابع مادی اولیه مورد نیاز مانند خوراک، مسکن و امکانات رفاهی متمرکز است، جهت‌گیری اصلی برنامه‌ها و مداخلات توانمندسازی و حمایت از خانواده از تمرکز بر تأمین رفاه مادی عدول و بر تلاش در زمینه افزایش سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی خانواده و دسترسی به منابع غیرمالی مانند برخورداری از تأمین و حمایت اجتماعی، فرصت‌های مشروع و آموزش مناسب متمرکز گردیده است (مهدوی، ۱۳۹۷: ۳۹۸). با این اوصاف، منطقی‌ترین مکان برای اعمال تدابیر پیشگیری از بزهکاری محیط خانواده است. پیشگیری مبتنی بر خانواده با هدف کمک به خانواده‌ها برای سازگاری با عوامل تنش‌زای کودک، با آموزش‌دهی به مراقبان راجع به تکنیک‌های مدیریت خانواده یا توسعه شبکه‌های حمایتی خانوادگی عمل می‌کند (بارتول، ۱۴۰۰: ۵۰۹).

آثار شدید و غیرقابل‌انکار فقر بر کارکردهای مختلف رشدی، جامعه‌پذیری و کنترلی خانواده توجه به بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده را از اهمیت فوق‌العاده برخوردار می‌کند. محققان دریافته‌اند که موقعیتهای متفاوت اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها موجب تفاوت‌های معناداری در کارکردهای خانواده و کفایت والدین گردیده است. کودکان در خانواده‌هایی که تحت فشار شدید فقر قرار دارند، کمتر تحت مراقبت، تشویق، و رفتارهای عاطفی قرار می‌گیرند و احتمال بروز رفتارهای آزاردهنده و خشونت‌آمیز نسبت به آنها بیشتر بوده و این امر تعلق کودک به خانواده را از بین برده و فرایند رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی کودک را مختل می‌کند (مهدوی، ۱۳۹۷: ۴۰۲).

پژوهش‌های اخیر نشان‌دهنده این امر است که زندگی در خانواده‌های کم‌درآمد و فقیر باعث ایجاد خشونت و بزهکاری در فرد می‌رود. از نظر قرآن نیز، رفاه و آسایش نه تنها مطلوب است، بلکه یکی از اهداف خلافت الهی انسان در زمین است. از همین رو، تلاش برای رفاه و رشد و شکوفایی اقتصادی فردی و اجتماعی پسندیده و سازنده است (عبدالهی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶۰). پایبندی به خانواده، یکی از قوی‌ترین موانع در برابر خطر جرم یا انحراف به شمار می‌رود. خانواده‌های منسجم و متحد پشتیبانی‌های مادی و معنوی زیادی را از اعضای خود به عمل می‌آورند. تأمین نیازهای مالی اعضای خانواده توسط سایرین (به‌خصوص بزرگترهای خانواده)، محرک‌های مادی برای بزهکاری را از بین می‌برد. نکته مهم این است که انجام این تدابیر باید از مجرای خانواده‌ها صورت گیرد و طراحان و مجریان برنامه‌ها باید نهایت مشارکت و جدیت خانواده‌ها در اجرای برنامه‌ها را مدنظر قرار دهند تا هم از تضعیف موضع خانواده جلوگیری شده و هم از طریق هم‌افزایی نیروها حداکثر اثربخشی از برنامه‌ها عاید شود (محمدنسل، ۱۳۹۹: ۱۰۸).



۲-۳. تدابیر نظارتی والدین

برنامه‌های پیشگیری مبتنی بر نحوه عملکرد نهاد خانواده، عوامل خطر بزهکاری و زمینه ارتکاب جرائم بعدی در دوران بزرگسالی را که با سازمان خانواده در ارتباط است، از جمله شیوه‌های ضعیف پرورش فرزندان، نظارت ضعیف، و نظم و اسلوب تربیتی ناسازگار با سخت را محور بررسی‌های خود قرار می‌دهد (فارینگتون و سی. ولش، ۱۴۰۰: ۱۴۱).

نقش بسیاری از والدین در ایجاد و تداوم چرخه خطر در درون خانواده از یک سو و لزوم رعایت حریم خانواده و ناپسند بودن دخالت در امور خانوادگی و حق ولایت و سرپرستی والدین از سوی دیگر موجب شده است که عوامل خطر خانوادگی شبکه درهم‌تنیده و بدون منفذی از مشکلات را برای کودکان فراهم کنند. تأکید اسناد بین‌المللی حقوق کودک مبنی بر اینکه حق ولایت و سرپرستی والدین نباید بر مصالح عالی‌ه کودک ترجیح داده شود، لزوم مداخله دولت در زمینه حمایت و رفع عوامل خطر از کودکان و مرجح بودن مداخلات حمایتی در چهارچوب خانواده و با موافقت و همکاری والدین موجب گردیده است که بازدیدهای خانگی به عنوان یکی از مؤثرترین مداخلات حمایتی در رویکرد پیشگیری رشد‌مدار تلقی شود (مهدوی، ۱۳۹۷: ۴۰۷).

شکی نیست که سلامت خانواده و بکارگیری روش‌ها و مهارت‌های مؤثر فرزندپروری در بزرگ کردن سالم فرزندان نقشی اساسی دارد. درست است که عوامل ژنتیک، ذاتی و محیطی در شکل‌گیری ویژگیها و تکامل کودک نقش دارند، اما فرایندهای خانوادگی نیز حائز اهمیت کلیدی در این راستا هستند. پژوهش‌ها نشان داده است که فرزندپروری مؤثر یک عامل محافظ قدرتمند است. خانواده‌ها می‌توانند با تأمین نیازهای اساسی، ایجاد فضای امن خانوادگی، راهنمایی، قانون‌گذاری مناسب و نظارت بر زندگی فرزندان‌شان آنان را از بسیاری رفتارهای مشکل‌ساز و پرخطر از جمله مصرف مواد و بزهکاری دور نگه دارند (عبدالهی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۴).

بسیاری از پژوهش‌ها نشان داد که احتمال بزهکاری کودکانی که والدین آن‌ها از مکان کودکشان هنگامی که خارج از منزل به سر می‌برند، بی‌اطلاعند و والدینی که اجازه می‌دهند کودک آن‌ها از همان سن کم بدون نظارت در خیابان‌ها پرسه بزنند، وجود دارد. به عنوان مثال، در پژوهش کمبریج در بوستون، نظارت ضعیف والدینی در دوران کودکی، مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ی جرائم خشونت‌آمیز و جرائم علیه اموال تا سن چهل و پنج‌سالگی بود (پی. فارینگتون، ۱۳۹۴: ۹۶).

۲-۴. برقراری تعامل و توافق دوطرفه میان والدین و اطفال

یکی از عناصر و ارکان مهم ارتباط و اعتماد و اطمینان در راستای تعاون و همکاری به منظور



رسیدن به اهداف خود تعامل است؛ پس، تعامل یک نوع اقدام و عملیاتی است دوطرفه و دوسویه و در فرایند این ارتباط بر مبنای توافق دوطرفه و اراده متقابل (والدین و فرزندان)، هدف (پیشگیری از بزهکاری اطفال) متجلی و متبلور می‌شود. از آن جایی که والدین ریاست و نظارت بر کودکان و نوجوانان را به عهده دارند و در واقع، ولایت مطلقه بر آن‌ها دارند و تحقق موفقیت این امر مستلزم تعامل بین طرفین است. والدین می‌توانند با این تعامل، گفتگوی سازنده و متقاعدسازی را در راستای جامعه‌پذیری و ممانعت از کج‌روی آغاز کنند؛ در کنار این تعامل، نقش‌ها، کج‌روی‌ها و خودخواهی‌ها و انتقام‌جویی‌ها مهار می‌شوند و نیازهای فرزندان و خواسته‌های مشروع آنها توسط والدین شناسایی شده، در حد توان مرتفع نموده و مانع انحراف فرزندان می‌شود (مقیم‌ی و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۸).

۲-۵. تدابیر تربیتی - پرورشی خانواده

پیشگیری رشد مدار تربیت مدار است و درصدد شخصیت‌سازی افراد است. به دیگر سخن، این پیشگیری با بهره‌گیری از تدابیر و اقدامات تربیتی - پرورشی بر سالم‌سازی فرآیند رشد افراد تأکید می‌کند (بیرانوند، یاراحمدی و میلانی، ۱۳۹۹: ۱۱۲).

اگر خانواده به نحوی مؤثر در پرورش فرزندان خود همت گمارد و از پلیس و دادگاه استمداد نجوید، موجبی برای بزهکاری و سیه‌روزی آنان در آینده باقی نخواهد ماند. متأسفانه، بسیاری از خانواده‌ها در پرورش کودک معرفتی نیندوخته‌اند و یا اگر تحصیلاتی دارند، از آن سود نمی‌برند و مصداق عالمان بی‌عمل می‌باشند (کی‌نیا، ۱۳۹۹: ج ۲، ۱۷۹).

والدین می‌توانند با تربیت صحیح و آموزه‌های اخلاقی بر فرزندان خود اشراف داشته باشند و با فرایند آموزش و آگاه‌سازی فرزندان از ارزشها و هنجارها و اطلاع‌رسانی آنها نقش خود را در سازگاری و مصون‌سازی فرزندان ایفاء نمایند؛ زیرا کودکان و نوجوانان در شرایط روحی و وضعیت جسمی خاصی بسر می‌برند و الگوپذیری آنها بسیار قوی است و با ارائه الگوهای صحیح و سازنده برای آنها می‌توانیم در تکوین شخصیت آنها مثرثمر باشیم (مقیم‌ی و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۹).

در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی تکلیف اساسی دولت در زمینه‌ی طراحی و اجرای رویکرد پیشگیری رشد مدار، با لحاظ داشتن موقعیت خانواده و اهمیت ارتباط کودک با والدین صورت می‌پذیرد؛ والدین نیز با حمایت از برنامه‌های پیشگیرانه‌ی رشد مدار حضور اطفال در این برنامه‌ها را تسهیل کرده و خود نیز مراقبت از کودک یا نوجوان در معرض خطر را بر عهده می‌گیرند (دارابی، ۱۳۹۵: ۱۲۹). نتایج این برنامه‌های پیشگیرانه تاکنون امیدوارکننده بوده است. در واقع، تسهیل هم‌نوسازی اجتماعی اطفال دارای مشکل، مانع از گذر از اندیشه به افعال خشونت‌آمیز نزد این



دسته شده و به آنان می‌آموزد که خشونت تنها راه حل مشکل نمی‌باشد. از این رهگذر، خطر بزه- دیدگی نیز کاهش یافته و آنان در نهایت به ابزارهای بهتری جهت مدیریت زندگی خود مجهز می‌شوند (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۸۲-۸۳).

بحث و نتیجه‌گیری

بزهکاری در اطفال و نوجوانان هرچند می‌تواند به عوامل بسیار، از جمله مشکلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... وابسته باشد، اما در گام نخست این خانواده است که کودک را به مسیر صحیح هدایت می‌کند یا بستر گناه و جرم و انحراف را برای او مهیا می‌سازد. انسان به دلیل ویژگی اجتماعی بودن خود از بدو تولد تحت تأثیر افکار، عقاید و رفتار اطرافیان قرار می‌گیرد و بعدها به تقلید از این رفتارها و گفتارها، الگوهایی را که به نحوی در ارتباط با او هستند، سرمشق رفتاری خود قرار خواهد داد.

وضعیت پیشگیری از ورود اطفال به وادی مجرمانه که می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری برای آنان و هم برای جامعه داشته باشد، یکی از دغدغه‌های سیاست‌جنایی است. به همین دلیل، تلاش سیاست‌گذاران، متخصصان و پژوهشگران همواره براین بوده است تا راهبردهای علمی کاربردی در جهت پیشگیری از بزهکاری اطفال ارائه دهند. با اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه کوتاه‌مدت و بلندمدت، تدابیر صحیح پیشگیرانه زودرس و کنترل عوامل مؤثر در بزهکاری اطفال و نوجوانان می‌توان اقدامات پیشگیرانه موثرتری را در قبال این موضوع اتخاذ نمود.

پیشگیری زودرس از بزهکاری اطفال با رویکرد خانواده‌محور در اسناد بین‌المللی نظیر اعلامیه حقوق کودک، پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پیمان حقوق کودک، اصول راهبردی سازمان ملل متحد (ریاض)، قواعد پکن پذیرفته شده است و در قالب برنامه‌های حمایتی خانواده‌محور از قبیل برخورداری اطفال از خانواده مطلوب، برقراری تعامل و توافق دوطرفه میان والدین و اطفال، تدابیر تربیتی- پرورشی خانواده، توانمندسازی خانواده‌ها در راستای اقدامات پیشگیری زودرس و تدابیر نظارتی والدین در راستای پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان مطرح می‌شود.

پیشنهادها

آموزش زودرس والدین، به طور رو به افزایشی به عنوان یکی از مؤثرترین شیوه‌های مداخله و پیشگیری از بزه‌کاری در بین دانشمندان جرم‌شناسی، مورد تأیید قرار گرفته است. از این رو پیشنهاد می‌شود، برنامه‌های آموزش والدین مداخله‌های مؤثری برای کاهش مشکلات رفتاری هستند و اگر این برنامه‌ها به صورت زودرس و در طی رشد کودک انجام شوند، منافع کوتاه و



بلندمدت حائز اهمیتی را در ارتباط با کاهش مشکلات رفتاری خواهند داشت. در این زمینه، اسناد بین‌المللی به ویژه اسناد خاص حمایتی کودکان نظیر کنوانسیون حقوق کودک، رهنمودهای ریاض به منظور تضمین حق اجتماعی شدن کودکان دولتها مکلف به حمایت از خانواده کرده تا خانواده بتواند نقش خود را در این رابطه به نحو مطلوبی ایفا کند. رشد متعادل و کامل شخصیت کودک زمانی میسر خواهد بود که کودک به همراه والدین خود و در محیط خانوادگی توأم با محبت و تفاهم بزرگ شود. به همین دلیل، پرورش کودک در درون خانواده به عنوان مصلحت عالی کودک تلقی و مسئولیت مشترک رشد و پیشرفت کودک بر عهده والدین و یا قیم و سرپرست کودک نهاده شده است.

سپاسگزاری

از عوامل اجرایی و گروه محترم دبیران فصلنامه علمی مطالعات پیشگیری از جرم به جهت حمایت‌های معنوی و پیگیری انتشار مقاله قدردانی می‌شود.

منابع

- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۶). جرم‌شناسی پیشگیری. جلد اول. چاپ چهارم. بنیاد حقوقی میزان.
- بارتول، کورت آل و بارتول، آن ام. (۱۴۰۰). جرم‌شناسی کودکان و نوجوانان (جرم‌شناسی رشدمدار).
ترجمه و تحقیق محمود مهدوی و سید علی حیدری. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- بیرانوند، رضا؛ یاراحمدی، حسین و میلانی، علیرضا. (۱۳۹۹). تحلیل پیشگیری رشدمدار از جرم در نظام
حقوقی ایران. فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، ۲۲ (۲)، ۱۰۰-۱۲۳.

http://pok.jrl.police.ir/article_93759.html

- پی. فارینگتون، دیوید و همکاران. (۱۳۹۴). عوامل ریسک و عوامل حمایتی در ارتکاب جرم. ترجمه
سودابه رضوانی. در دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد. به کوشش حمیدرضا نیکوکار. چاپ اول. بنیاد
حقوقی میزان.

- تی. کالن، فرانسیس. (۱۳۹۴). نظریه‌های رشدمدار و طول زندگی ارتکاب جرم. ترجمه سیدمحمدجواد
ساداتی. در دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد. به کوشش حمیدرضا نیکوکار. چاپ اول. بنیاد حقوقی
میزان.

- حکیمی، سمیه و صفرائی، محمودرضا. (۱۳۹۶). پیشگیری زودرس از بزهکاری کودکان و نوجوانان با
رویکرد خانواده‌محور. چاپ اول. خرسندی.

- خسروشاهی، قدرت الله و منصوری، حیدر. (۱۳۸۹). پیشگیری زودرس از بزهکاری با رویکرد
خانواده‌مدار. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۶ (۱)، ۲۶-۷.

http://cps.jrl.police.ir/article_13517.html

- دارابی، شهرداد. (۱۳۹۵). پیشگیری از جرم در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی. چاپ اول. بنیاد حقوقی
میزان.

- رجبی تاج امیر، ابراهیم. (۱۳۹۸). جرم‌شناسی. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.
- عبدالهی، سامان و همکاران. (۱۴۰۰). پیشگیری خانواده‌محور از گرایش اطفال و نوجوانان به مصرف
مواد مخدر و روان‌گردان با نگاهی به آموزه‌های قرآنی. فصلنامه علمی بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۸ (۵۷)،
۱۷۲-۱۵۱.

http://init.jrl.police.ir/article_96169.html

- فارینگتون، دیوید و سی. ولش، براندون. (۱۴۰۰). پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان (پیشگیری
رشدمدار). چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.

- کرامتی معز، هادی. (۱۳۹۹). بزه‌دیده‌شناسی کودکان در شبکه‌های مجازی. چاپ اول. دادگستر.
- کرامتی معز، هادی؛ میرخلیلی، سید محمود. (۱۳۹۹). پیشگیری رشدمدار از بزه‌دیدگی کودکان در
شبکه‌های اجتماعی مجازی (مطالعه موردی معلمان منطقه پنج شهر تهران). فصلنامه مطالعات پیشگیری از
جرم، ۱۵ (۵۶)، ۲۱-۱.

http://cps.jrl.police.ir/article_95006.html

- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۹۹). مبانی جرم‌شناسی. جلد دوم. جامعه‌شناسی جنایی. چاپ سیزدهم. انتشارات
دانشگاه تهران.





کی نیا، مهدی. (۱۳۹۷). مبانی جرم‌شناسی. جلد اول. چاپ هجدهم. انتشارات دانشگاه تهران.
 - محسنی، فرید. (۱۳۹۷). نظریه‌های جرم‌شناسی. چاپ اول. مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
 - محسنی، فرید. (۱۳۹۳). دستاوردهای نظری و علمی جرم‌شناسی رشدمدار. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، ۱۹ (۶۶)، ۱۶۸-۱۴۵.

http://jlvIEWS.ujsas.ac.ir/browse.php?sid=1&a_id=564&slc_lang=fa

- محمدنسل، غلامرضا. (۱۳۹۹). کلیات پیشگیری از جرم. چاپ دوم. بنیاد حقوقی میزان.
 - مقیمی، مهدی و دیگران. (۱۳۹۸). جرم‌شناسی کاربردی. چاپ اول. دانشگاه علوم انتظامی امین.
 - مهدوی، محمود. (۱۳۹۷). پیشگیری از جرم (پیشگیری رشدمدار). چاپ سوم. سمت.
 - مهرا، نسرین. (۱۳۹۸). پیشگیری اجتماعی رشدمدار از بزهکاری اطفال در سیاست جنایی اسلام با تأکید بر آموزه‌های قرآنی. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۴ (۵۳)، ۲۵-۹.

http://cps.jrl.police.ir/article_93545.html

- میرخلیلی، سید محمود. (۱۳۹۹). جرم‌شناسی، چاپ اول. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 - نظیفی، عباس. (۱۳۹۹). جرم‌شناسی. جلد اول. چاپ اول. انتشارات دادگستر.
 - نوربها، رضا. (۱۳۹۹). زمینه جرم‌شناسی. چاپ ششم. انتشارات گنج دانش.
 - نیازپور، امیرحسن. (۱۳۹۱). حق برخورداری از آموزش و پرورش از حقوق بشر تا پیشگیری از بزهکاری. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۲۲ (۲)، ۱۰۷-۸۷.

<https://www.magiran.com/paper/1117672>

- نیازپور، امیرحسن. (۱۳۹۱). گفتمان «پیمان حقوق کودک» در زمینه پیشگیری از بزهکاری. دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، ۳ (۲)، ۲۰۴-۱۸۷.

https://jol.guilan.ac.ir/article_615.html

- وروایی، اکبر؛ سهرابی، منوچهر. (۱۳۹۵). پیشگیری از جرم با رویکرد خودکنترلی از منظر عرفان اسلامی- ایرانی. چاپ اول. آریاداد.
 - ولد، جرج و همکاران. (۱۳۹۴). جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی). چاپ هشتم. سمت.
 - هیوارد، کیت و همکاران. (۱۳۹۷). پنجاه متفکر جرم‌شناسی. ترجمه ایوب اسلامیان و دیگران، چاپ سوم. تهران: نشر ثالث.

- Kwast, Elizabeth, Laws, Sophie. (2007). *United Natio Secretary –Generals Stady on Violence against children*. Adapted for children and young people. Un.